

ما یهودیان...

دانیل بن سعید و ...

ما که شهروندان کشوری هستیم که در آن زندگی می کنیم و شهروند کرهء زمین، دلیلی ندارد که به عنوان یهودی اظهار نظر کنیم و البته رسم ما هم نبوده که چنین کنیم. ما با نژادپرستی، واز جمله یهودی ستیزی در کلیه اشکال اش مبارزه می کنیم و سوء قصدهایی که علیه کنشست ها و مدارس یهودی رخ داده و یک کمونته را به همین عنوان و پرستشگاه هایش را هدف قرار می دهد محکوم می کنیم. ما بین المللی کردن یک منطق فرقه ای را که در همین جا [فرانسه] به صورت درگیری بین جوانان یک مدرسه یا یک محله بروز کرده طرد می کنیم.

رهبران دولت اسرائیل با تصاحب حافظهء مشترک جمعی و خود را نمایندهء تمام قربانیان گذشتهء یهود معرفی کردن، ادعا می کنند که به نام تمام یهودیان جهان سخن می گویند و به ناحق برای خود این حق را نیز قائل می شوند که برخلاف میل ما به نام ما سخن گویند. هیچ کس بر یهودیانی که قربانی جنایات نازی ها شدند، حق انحصاری ندارد. خانواده های ما نیز در بین رانده شدگان، ناپدید شدگان و مقاومتگران سهمی دارند. از این رو، زمانی که همبستگی یهودی را وسیلهء باجگیری قرار می دهند تا به سیاست اتحاد مقدس فرمانروایان اسرائیل مشروعیت ببخشند، برای ما تحمل ناپذیر است.

با بالا گرفتن موج خشونت، هر دو طرف مرتکب اقدامات غیر قابل قبولی شده اند. افسوس، حاصل هر منطق جنگ این است. اما مسؤولیت سیاسی را نمی توان به طور مساوی تقسیم کرد. دولت اسرائیل دارای سرزمین و ارتش است. فلسطینیان سرزمین های اشغالی و اردوگاه های آوارگان محکوم به زندگی تحت قیمومت اند، با اقتصادی در هم شکسته و وابسته، در جامعه ای ناقص العضو، و در سرزمینی تکه تکه که با جاده های استراتژیک از هم دریده شده و همه جا مستعمرات [مهاجر نشین یهودی] برپا شده است.

اگر اقدام تحریک آمیز و محاسبه شده آریل شارون که با تأیید ایهود باراک به

صحن مسجد اقصی رفت، توانست این بشکهء باروت را شعله ور کند، علت این است که در نتیجهء مانورهای مماطله جویانه اسرائیل در اجرای موافقتنامهء اسلو، ادامهء شهرک سازی ها و امتناع از به رسمیت شناختن دولت فلسطین که اعلام آن بارها به تأخیر افتاده است، وضعیت از پیش انفجاری بوده است. شگفت آور نیست که انباشت این تحقیرها و این محرومیت ها ملتی را به شورش وادارد. شاید مرحله ای غیر قابل برگشت فرا می رسد و آن اینکه تحریکات نمادین شارون با تأکید بر خصلت مذهبی درگیری ها و تضعیف محتوای سیاسی آن ها زمینه را برای برآمد نیروهای مذهبی افراطی هموار می کند و مجال را بر طرفداران صلح و برپایی فلسطین و اسرائیل لائیک تنگ می نماید. مسابقه ای به سوی فاجعه شروع شده و چشم انداز شکل گیری جنگی داخلی در درون اسرائیل بین یهودیان و اعراب اسرائیل پدیدار می شود.

نه به رغم یهودی بودن بلکه به خاطر یهودی بودن است که ما با این منطق خودکشی به مخالفت بر می خیزیم، منطقی که از هول و هراس مبتنی بر هویت ناشی می شود. ما با سرانسیب پر پیچ و خم قومی کردن این کشمکش و تبدیل آن به جنگ مذاهب مخالفیم. ما نمی خواهیم به دیوار تعلقات فرقه ای میخکوب شویم.

ما که طرفدار برادری یهودی - عربی هستیم خواستار آغاز فرایند صلحی هستیم که ضرورتاً از اجرای قطعنامه های ملل متحد می گذرد و از به رسمیت شناختن یک دولت مستقل فلسطینی و حق بازگشت فلسطینی هایی که از سرزمین خود رانده شده اند. از این طریق است که جوامع فرهنگی و زبانی مختلف ممکن است در سرزمین واحدی همزیستی مسالمت آمیز داشته باشند.

ترجمهء بهزاد مشیری

این بیانیه را که در لوموند ۱۸ اکتبر ۲۰۰۰ چاپ شده، ۵۱ نفر امضاء کرده اند که عموماً از دانشگاهیان و نویسندگان و پژوهشگران فرانسوی اند از گرایش های فکری و سیاسی چپ. در بین آنان **میگل بنا سیاک، دانیل بن سعید، ژانت هابل، ژیزل حلیمی، مارسل فرانسیس کان، پی یر خلفا، میکائیل لووی، هانری ماله، موریس راژفوس، کاترین ساماری، پی یر ویدال ناکه** به چشم می خورند.